



صفات و ویژگی های تربیتی مبلغان از منظر قرآن کریم

پدیدآورده (ها) : شم آبادی، احمد؛ بهشتی، سعید
علوم تربیتی :: پژوهش نامه تربیت تبلیغی :: بهار و تابستان 1393 - شماره 3 و 4
از 13 تا 48

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1070684>

دانلود شده توسط : مرکز مدیریت حوزه های علمیه-کتابخانه ایت الله بروجردی
تاریخ دانلود : 25/12/1394

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به [صفحه قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir



صفات و ویژگی‌های تربیتی مبلغان از منظر قرآن کریم

احمد شم‌آبادی* دکتر سعید بهشتی**

تبلیغ، یکی از مسائل اساسی در حیات اجتماعی است که متعلق به دوره خاصی از زمان نیست. تبلیغ در قرآن به بلاغ، بیان، تبیین آمده و بیان شده که یکی از وظایف مقدس و مهم انبیاء، علماء، متفکران، دانایان و مصلحان است. با این زمینه، سؤال اساسی این خواهد بود که مبلغان برای چنین رسالت و وظیفه مهمی باید دارای چه صفات و ویژگی‌هایی باشند؟ در این تحقیق (که جز تحقیقات کیفی است) اطلاعات و مواد اولیه تحلیل به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و سپس مورد تجزیه و تحلیل عقلانی قرار گرفته و در نهایت، زمینه به‌کارگیری و استفاده از آن در حوزه تربیت و تبلیغ فراهم شده است. این مطالعه با نگاهی تربیتی به صفات و ویژگی‌های مبلغان الهی، آنها را در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری مورد توجه قرار داده است. آگاهی و بصیرت داشتن و مردمی و درآشنا بودن که پایه و اساس حرکت مبلغ محسوب می‌شوند، از صفات بعد شناختی هستند. در بعد عاطفی، صفات مهربانی، تواضع، ایمان به هدف، امیدواری به وعده‌های الهی و خلوص نیت، صفاتی هستند که باعث آرامش و مایه استمرار راه برای مبلغ می‌شوند. در بعد رفتاری که شاید از جهاتی، مشخصه حرکت تبلیغی- تربیتی انبیا الهی است، به صفات مهمی چون: عامل به علم خود بودن، شجاعت و استقامت داشتن، عدل‌ورزی، سعه‌صدر، صدق و راستی و توکل به خدا، اشاره شده است. آنچه مسلم است، این صفات و ویژگی‌ها، تمام صفات و ویژگی‌های مبلغان الهی نیست؛ اما توجه به همین صفات، ما را متوجه اصولی اساسی، از قبیل استمرار و مداومت، توجه به تفاوت‌های فردی، اعتدال و میانه‌روی، تدریج، جامع‌نگری، اصل تفکر و تنقل، تزکیه، حریت، اصل هشیاردهی و غفلت‌زدایی، اصل تغییر ظاهر و تحول باطن، مسئولیت، محبت و استفاده از عواطف، اصل تسهیل و مسامحت و ... در تربیت می‌کند.

واژگان کلیدی: تربیت، مبلغ، ویژگی، شناختی، عاطفی، رفتاری.

مقدمه

امروزه نه تنها در اسلام و ادیان الهی، بلکه در تمام حوزه‌ها، بشر به دنبال تبلیغ دستاوردها و پیام‌های موردنظر جامعه است. این تبلیغات به روش‌های گوناگونی از طریق رسانه‌ها و مبلغان متفاوتی صورت می‌گیرد. همه این مسائل، این نکته را خاطر نشان می‌کنند که تبلیغات و در نهایت مبلغان، دارای میزان قدرت نفوذ زیادی بر دیگران هستند؛ دین مبین اسلام که دین انسان‌سازی است از دیرباز این نکته را حائز اهمیت می‌دانست و در آیات و روایات متعددی بر اهمیت تبلیغ، شایستگی و بایستگی‌های مبلغ و...، اشاره‌های زیادی کرده است؛ زیرا از یک سو اساس دین اسلام، تزکیه و تربیت است. از سوی دیگر، تبلیغات، اهرم سیاست، فرهنگ، تجارت، قدرت نظامی و... در جهان امروز است (رهبر، ۱۳۷۰، ص ۱۲۰). اما نکته اساسی این است که آیا اسلام و قرآن نیز از همین رو به تبلیغ و مبلغ نگاه می‌کند که به جای روشن کردن مسیر، از مردم به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به مقاصد خود استفاده می‌کند؟ مسلماً این‌گونه نیست؛ بررسی صفات و ویژگی‌های مبلغان الهی در قرآن گویای این مهم خواهد بود که بین دیدگاه تبلیغی اسلام و دیگر دیدگاه‌های تبلیغی، تفاوت وجود دارد. اینکه آیا تبلیغ مدنظر قرآن، به دنبال تربیت افراد است یا خیر؟ و آیا مبلغان این نوع تبلیغ از وجهه تربیتی ویژه‌ای برخوردار هستند یا خیر؟ اساس این مطالعه است و اهمیت و ضرورتی که به این امر نشان داده شده، لازمه این تحقیق بوده است.

با نگاهی به پژوهش‌های پیش‌رو در این زمینه، می‌توان به این نکته رسید که با تمام تلاش‌هایی که در این زمینه شده و استخراج و استنباط‌های تخصصی که صورت گرفته، اما جای نگاه تربیتی به مبلغان قرآنی، بسیار خالی است؛ به عبارت دیگر، می‌توان گفت که از دریچه تربیتی به ویژگی‌های مبلغان نگاه نشده

فصلنامه علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه



سال دوم
شماره سوم و چهارم
بهار و تابستان ۱۳۹۳



و آن را در سطح همان آگاهی دادن و رساندن پیام به مخاطبین نگاه داشته و بیشتر پژوهش‌ها به دنبال شیوه‌های نوین تبلیغ و یا مواردی از این قبیل بوده‌اند.

پژوهش پیش‌رو، با توجه به جستجوگری برای کشف و شناخت مبلغ واقعی از دیدگاه قرآن کریم در جهت بهبود وضعیت و روند تبلیغ، جزء پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود. در این تحقیق (که جزئی از تحقیقات کیفی است) اطلاعات و مواد اولیه تحلیل به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و سپس با روش‌های مختلف استدلال، مورد تجزیه و تحلیل عقلانی قرار گرفته است و درنهایت، زمینه به‌کارگیری آنها در حوزه تربیت و تبلیغ فراهم می‌شود.

تعریف اصطلاحات

برای ورود به این بحث، لازم است که ابتدا از واژگان اصلی این مطالعه (تربیت و تبلیغ) تعریف درستی داشته باشیم.

«تربیت از ریشه «ربو» و در لغت یعنی «غذا دادن و بزرگ کردن» و در اصطلاح مورد نظر: مجموعه تدابیر و روش‌هایی است که برای ایجاد، ابقاء، اکمال و ادراکات، تمایلات، تصمیمات و اقدامات مطلوب در متری صورت می‌پذیرد» (بهشتی، ۱۳۸۹، ۲۴)؛ تعلیم و تربیت اسلامی نیز به تبع آن «هرگونه اقدام هدایت‌گرانه‌ای است که به منظور ایجاد، ابقاء و اکمال استعدادهای ادراکی، میلی، ارادی و عملی مبتنی در چهار حوزه ارتباط با خدا، ارتباط با خود، ارتباط با دیگران و ارتباط با جهان بر مبنای قرآن، سنت، و عقل، به سوی هدف نهایی قرب مطلق الهی انجام می‌شود» (بهشتی، ۱۳۸۹، ۱۷).

واژه «بلغ» در قرآن کریم به معانی مختلفی به‌کار برده شده است، از جمله: به فرا رسیدن زمان یا موقعیت خاصی؛ «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَرْبَ الشَّمْسِ...» (تا زمانی که



به خاستگاه خورشید رسید) (کهف / ۹۰) یا به رسیدن به سن بلوغ و رشد «...فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا...» (...پروردگار تو می‌خواست آنها به حد بلوغ برسند...) (کهف / ۸۲) و یا «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نُجْزِي الْمُحْسِنِينَ» و هنگامی که (موسی) به رشد و کمال رسید، حکمت و دانش به او دادیم؛ و این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم) (قصص / ۱۶). ولی آنچه که در قرآن مد نظر است، واژه «بلغ» به امر رسالت و پیامبری مربوط می‌شود؛ ابلاغی که پیامبران انجام داده یا امر به انجام آن شده‌اند.

رساندن پیام به دیگری، به منظور ایجاد دگرگونی در بینش و رفتار اوست و بر سه عنصر اصلی پیام‌دهنده، پیام‌گیرنده و محتوای پیام، استوار است. تبلیغ در اسلام به معنای رساندن حقایق و معارف اسلامی به مردم، دعوت و تشویق آنها به رعایت و اطاعت فرامین الهی و تأسی به سیره انبیاء عليهم السلام و ائمه اطهار عليهم السلام است؛ و تبلیغات اسلامی شامل هرگونه فعالیت نظام‌مند در این زمینه است.

واژه تبلیغ یعنی رساندن؛ قرآن کریم آن را در مورد رسالات - که عبارت است از پیام‌ها - به‌کار برده است. بر این اساس، تبلیغ عبارت است از: رساندن یک پیام از فردی به فرد دیگر؛ رساندن یک فکر و یا یک پیام؛ رساندن چیزی به فکر، روح و قلب کسی؛ در مجموع واژه «بلغ» با مشتقات آن، بیش از ۴۹ بار در قرآن آمده است که در همه آنها، به رسیدن و یا رساندن به یک حد خاصی (مثل رشد، زمان، عقل و آگاهی، مکان و...) اشاره دارد؛ اما آنچه در این پژوهش مورد توجه قرار می‌گیرد، آن است که در قرآن کریم، تبلیغ به معنای ابلاغ یا رساندن پیام خداوند از طریق انبیا به مردم است. در رساندن پیام الهی حد خاصی مدنظر بوده؛ گویا تا حد خاصی این پیام را به مردم متذکر می‌شدند و این مردم بودند که باید آن را انتخاب کرده و با آگاهی و دل و جان می‌پذیرفتند.

فصلنامه
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تبلیغ

سال دوم
شماره سوم و چهارم
بهار و تابستان ۱۳۹۳



ویژگی‌های مبلغ از منظر قرآن کریم

مبلغ در صورتی می‌تواند در جایگاه واقعی خود، ادامه‌دهنده راه انبیای الهی باشد و از ارزش‌های دینی دفاع کند که از نظر علمی، اخلاقی و عملی، واجد ویژگی‌هایی باشد که اسلام برای دعوت‌کنندگان مردم به خدا و ارزش‌های انسانی و اسلامی، ضروری می‌داند.

در این پژوهش به ۱۳ مورد از صفات یک مبلغ که امر تربیت را نیز بر دوش دارد، اشاره شده است؛ اما برای اینکه این صفات در یک قالب تربیتی قرار بگیرند و از نظمی خاص برخوردار باشند، با توجه به ویژگی‌های شناختی، عاطفی و رفتاری، این نگرش تقسیم‌بندی شده است؛ لذا با این نوع تقسیم‌بندی، به‌گونه‌ای به این نکته اشاره می‌شود که یک مبلغ در هر یک از مؤلفه‌ها نسبت به یک مبلغ در جایگاه تربیتی به چه میزان از نگرش برخوردار است.

۱. ویژگی شناختی مبلغ از منظر قرآن کریم

۱. ۱. آگاهی و بصیرت

بینش و بصیرت: بصیرت در لغت به معنای بینش و بینایی است (عمید، ۱۳۶۳، ذیل واژه)؛ و در اصطلاح: روشن بینی در دین است (مطهری، ۱۳۸۰، ۶۶). بصیرت چراغ راهی است که در تاریکی‌ها راه را انسان روشن می‌سازد و او را از خطر افتادن و لغزش نگه می‌دارد؛ البته لازمه بصیرت و بینش در موضوعی خاص، علم و دانش کامل نسبت به آن موضوع و حتی موضوعات پیرامونش است. خداوند متعال می‌فرماید: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (بگو: این راه من و پیروانم است، و با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم! منزّه است خدا و من از مشرکان نیستم!) (یوسف/ ۱۰۸).



حضرت ابراهیم نیز با پدر خود درباره این علم سخن گفته: «يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا» ای پدر! دانشی برای من آمده که برای تو نیامده است؛ بنابراین از من پیروی کن، تا تو را به راه راست هدایت کنم (مریم/ ۴۳).

علم حضرت سلیمان و داوود: «فَفَقَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَ كَلَّمْنَا هَارُونَ وَ عَلَّمْنَا دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَ الطَّيْرَ وَ كُنَّا فَاعِلِينَ» ما (حکم واقعی) آن را به سلیمان فهمانیدیم؛ و به هر یک از آنان (شایستگی) داورى، و علم فراوانی دادیم؛ و کوه‌ها و پرندگان را مسخر داوود ساختیم که با او تسبیح (خدا) می‌گفتند؛ و ما بر این کار توانایی داشتیم (انبیا/ ۷۹). و در رابطه با علم حضرت لوط: «وَلَوْطاً آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ...» و لوط را (به یادآور) که به او نبوت و علم دادیم؛ و... (انبیا/ ۷۴).

بخشیدن علم و دانش به موسی نیز به‌عنوان پاداشی برای نیکوکاران، نشان از دارا شدن حضرت موسی به علم و حکمت برای ابلاغ رسالت است: «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ اشْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (و هنگامی که (موسی) به رشد و کمال رسید، حکمت و دانش به او دادیم؛ و این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم) (قصص/ ۱۴).

روشن است که علم و دانشی منجر به بصیرت و حکمت می‌شود و دارای ارزش و اعتبار است که از روی تفکر و تعقل و خردورزی برای انسان حاصل شود؛ اما با توجه به آیات، علم و حکمتی که خداوند از آن یاد می‌کند، همه را عنایت خود به رسولان می‌داند. این نکته ما را متوجه این موضوع فهم می‌کند که تعقل و تفکر انسانی بدون عنایت الهی به حکمت و بصیرت نمی‌انجامد.

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (بگو آیا آنان که می‌دانند و آنان که نمی‌دانند یکسان و برابرند؟ جز این نیست که خردمندان

فصلنامه علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تبلیغی

سال دوم
شماره سوم و چهارم
بهار و تابستان ۱۳۹۳



متذکر می‌شوند) (زمر / ۹). در آیه ۱۰۰ سوره یونس می‌خوانیم: «وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (خداوند پلیدی (گناه) را بر کسانی قرار می‌دهد که تعقل نمی‌کنند و نمی‌اندیشند)؛ و در آیه ۲۲ انفال می‌فرماید: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضَّمَمُ - الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ» (بدترین جنبندها نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که تعقل نمی‌کنند).

یکی از ابعاد نظام فکری اسلام، دعوت به تعقل و تفکر است؛ دلیل اساسی این دعوت، ویژگی عقلانی انسان است. در تربیت دینی انسان، این موجود مکرّم، روش عقلانی، یکی از روش‌های اساسی تربیت دینی است. سعادت دنیوی و اخروی هر انسانی به مقدار عقل اوست. هر انسانی می‌تواند به عقل خویش بیفزاید و آن را کامل‌تر کند. از این‌رو، اسلام به انسان‌ها توصیه می‌کند که در تکمیل عقل خویش بکوشند. از میان اشیای عالم، عقل از همه ارزشمندتر است. باید بدین سمت حرکت کرد که انسان‌ها، اهل تعقل بار آیند و در رویارویی با همه امور، عقلانی رفتار نموده و به تجزیه و تحلیل آنها بپردازند و خوب و بد امور را تشخیص داده و از بهترین آنها پیروی کنند (فرج بخش / ۱۳۸۸).

هر اندازه انسان با معارف، آموزه‌های دینی و الهی، محتوای پیام خداوند و قرآن کریم و گفتار و عمل سیره معصومین بیشتر آشنا شود، زمینه بصیرت و روشن بینی در دین، بیشتر برای او فراهم می‌شود و همچنین مطالعه و تفکر در اصول اعتقادی به این امر کمک می‌کند. عمل به آنچه از دین فرا گرفته ایم، به‌ویژه انجام واجبات و ترک محرمات که درجه‌ای از تقوی و پرهیزگاری است در کسب بصیرت و روشن بینی، نقش کلیدی دارد و اصولاً بصیرت، از ثمرات و آثار مستقیم تقوا و پرهیزگاری است (مطهری، ۱۳۸۰، ۲۵).

قرآن کریم در مقام بیان نقش تقوا در روشن بینی و تحصیل نور بصیرت مؤمنان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا...» اگر تقوی بورزید، خداوند قوه تشخیص و جداسازی حق از باطل را به شما عنایت می‌کند (انفال / ۲۹).



دعوت انبیا همیشه همراه با ارائه آیات و تلاوت کتاب بوده که بی‌گمان سبب افزایش دانش و ایجاد بینش است. بینش و علم در دعوت آنها، شرط لازم برای ایمان آوردن است و چون ایمان نیز زمینه عمل و ملازم آن است و پایبندی به عمل را به همراه می‌آورد، در نتیجه دانش و بینش، شرط ایجاد انگیزه برای عمل محسوب می‌شود.

۱.۲. مردمی و درد آشنا

بزرگ‌ترین مبلغ بشریت، رسول اکرم ﷺ، از میان خود مردم برخاست «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» به تحقیق رسولی از میان خودتان به سوی شما آمد (توبه/ ۱۲۸)؛ و خداوند متعال تأکید می‌کند که ای رسول «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ» بگو من بشری همانند خود شما هستم (فصلت/ ۶). «فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ» (رسولی که از مردم است و در بین آنهاست و با آنها زندگی می‌کند (مؤمنون/ ۳۲). خدای بزرگ می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ» ما هیچ رسولی را برای مردم نفرستاده‌ایم مگر اینکه از بین خودشان بوده است؛ طبیعی است، فرستاده‌ای که از خود مردم باشد و با زبان و حالات روحی ایشان آشنا باشد و همچون آنان زندگی کند، بهتر می‌تواند دستورات الهی را برایشان روشن کند (ابراهیم/ ۴).

مردمی بودن مبلغ، لازمه توفیق اوست به طوری که خداوند می‌فرماید: «وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا جَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَ لَلْبَشَرِ لَعَلِيمٌ مَا يَلْبَسُونَ» (اگر فرشته‌ای نیز به رسالت بفرستیم او را به صورت بشری درمی‌آوریم و همان لباسی را بر او می‌پوشانیم که مردم می‌پوشند) (انعام/ ۹).

مبلغ مردمی، کسی است که برای خود امتیازی نسبت به مردم قائل نیست و در زندگی اجتماعی مانند کمک کردن در کارها، استفاده از امکانات اجتماعی و اقتصادی و انتخاب مکان نشستن با دیگران، یکسان است. می‌داند که کار کردن و کمک به

فصلنامه
علمی-تخصصی
پژوهش‌نامه



سال دوم
شماره سوم و چهارم
بهار و تابستان ۱۳۹۳



دیگران در کارهای اجتماعی هیچ‌گونه منافاتی با شأن علمی و تبلیغی او ندارد؛ همان‌گونه که حضرت داوود علیه السلام یک مبلغ بود و در عین حال، خداوند به او صنعت زره‌سازی را آموخته بود و زره می‌ساخت «وَ عَاطِنَاهُ صُنْعَةَ لَبُوسٍ» (انبیاء/ ۸۰).

بیشترین یاران و پیروان رسولان الهی در طول تاریخ، مستضعفان و محرومان بوده و بیشترین سختی رسالت انبیا بر دوش آنان بوده است؛ بنابراین مبلغ باید از آنان حمایت کند و از طرد آنان بپرهیزد؛ «وَ لَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَ مَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ» (آنان که صبح و شام خدا را می‌خوانند و مراد و مقصدشان فقط خداست، از خود مران که نه چیزی از حساب آنها بر تو و نه چیزی از حساب تو بر آنهاست. پس اگر تو، آن خداپرستان را از خود برانی از ستمکاران خواهی بود) (انعام/ ۵۲).

کافران همیشه سعی داشته‌اند پیروان مستضعف پیامبران را انسان‌های بی‌مقدار معرفی کنند؛ «وَ مَا تَرَاكَ أَتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِّبِ الرَّأْيِ» (و ما تنها اشخاص پست و بی‌مقدار را می‌بینیم که از تو پیروی می‌کنند) (هود/ ۲۷).

و همیشه انتظار داشته‌اند که رسولان آنان را از خود طرد کنند، ولی عمل فرستاده خدا چیز دیگری است و می‌گوید: «وَ مَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا» (و من هرگز آن مردم با ایمان را (هر چند به نظر شما فقیر و بی‌چیز باشند) از خود دور نمی‌کنم) (هود/ ۲۹).

مبلغ باید در کنار حمایت از محرومان، از مرفهین بی‌درد فاصله بگیرد، کسانی که همیشه در مقابل پیامبران موضع گرفته‌اند؛ «وَ مَا أَرْسَلْنَا فِي قَوْمِيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» (و ما هیچ هشدار دهنده‌ای به دیاری نفرستادیم، مگر اینکه ثروتمندان عیاش آن دیار گفتند: ما به رسالت شما کافریم) (سبأ/ ۳۴).



۲. ویژگی‌های عاطفی مبلغ از منظر قرآن کریم

۲.۱. مهربانی

پیام‌های الهی علاوه بر نفوذ در خرده‌ها، در دل‌های مردم نیز باید نفوذ کند و در اعماق روح آنان وارد شود، تا بتواند متحولشان سازد و در راه رسیدن به مقصد اعلا‌ی انسانیت و جامعه ایده‌آل توحیدی، آنها و به حرکت درآورد. مهم‌ترین روش برای تأثیر گذاشتن پیام‌های الهی در جان مردم، به‌کارگیری «محبت» است. قرآن نیز مهم‌ترین راز توفیق پیامبر اسلام ﷺ را در امر تبلیغ دین، مهرورزی و حسن خلق آن حضرت می‌داند. حسن خلق و نرم‌خویی پیامبر، یارانش را چنان شیفته خود کرده بود که با تمام وجود به او عشق می‌ورزیدند و دشمنان قسم خورده‌اش نیز در اثر این خصلت والای انسانی، تبدیل به دوستان با وفایش شدند.

خداوند در سوره توبه با اشاره به مهربانی، دلسوزی و مردم‌داری پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (برای شما پیامبری از جنس خودتان آمد که بر او دشوار است که شما در رنج و زحمت بیفتید. به هدایت شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است) (توبه / ۱۲۸).

نرمی، تنها صفت سخن نیست؛ بلکه در برخوردها نیز لازم است؛ چراکه با نرمی و مهربانی، مردم به سمت دین خدا کشیده می‌شوند و به تجربه ثابت شده است که با زور و اکراه نمی‌توان کسی را هدایت نمود.... «أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (... ای رسول! آیا تو می‌توانی همه را با جبر و اکراه مؤمن گردانی؟) (یونس / ۹۹).

مهربانی با مردم، آنان را جذب می‌کند و تندخویی و سخت‌دل بودن، آنها را از دین خدا، دور می‌سازد. این کلام خدای متعال است که خطاب به رسول گرامیش می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ

فصلنامه
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تبلیغی

سال دوم
شماره سوم و چهارم
بهار و تابستان ۱۳۹۳



حَوْلِكَ...» (ای رسول، رحمت خدا تو را مهربان و خوش خلق گردانید و اگر تندخو و سخت دل می‌بودی، مردم از گرد تو پراکنده می‌شدند...) (آل عمران / ۱۵۹). «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (ما تو را مایه «رحمت» بر جهانیان فرستادیم) (انبیاء / ۱۰۷)؛ «... وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا» (...پس با آنان به نیکی سخن بگو، زیرا نیک سخن گفتن و مهربانی با مردم، براننده توست) (نساء / ۸). «وَيَذُرُونَ بِالْحُسْنَى السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (و کسانی که بدی را با خوبی پاسخ می‌گویند پاداش آنان منزلگاه نیکو (بهشت جاویدان) است) (رعد / ۲۲). آری، از محبت است که خارها گل می‌شود. انسان روح لطیفی دارد و غرق در احساس و عاطفه است و با کمترین رافت و مهربانی شیفته دین خدا که دین مهربانیست می‌شود. «وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (هرگز نیکی و بدی در جهان یکسان نیست (ای رسول) بدی خلق را با خوبی پاسخ ده، گویی همان کس که با تو بر سر دشمنی است، دوست و خویش تو شده است) (فصلت / ۳۴).

به‌کارگیری محبت در تبلیغ، زمینه پذیرش پیام‌ها را در مخاطبان فراهم می‌سازد. دل‌ها را نرم و انسان را بر اساس آموزه‌های دینی تربیت می‌کند. تربیت نیز از این اصل به‌دور نیست و مربی باید به این صفت مزین باشد. از آنجا که تربیت، یک فعالیت اجتماعی است و مربی، در ارتباط مستقیم با افراد قرار دارد، دقت در نحوه بیان و ارائه مطالب، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اگر مربی، دارای رفتاری تند و خشن و انعطاف ناپذیر باشد، دیری نخواهد پایید که افراد از گرد او پراکنده خواهند شد. قرآن مجید خطاب به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «فَمَا رَحْمَةٌ مِّنَ اللَّهِ لَئِن لَّمْ يَكُنْ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَّفُتِنُوا مِن حَوْلِكَ...» (به لطف الهی، تو نسبت به آنها نرم و لین‌شده و اگر خشن و سخت‌دل بودی، همه از گرد تو پراکنده می‌شدند) (آل عمران / ۱۵۹).



۲.۲. تواضع

تواضع در اصل، از واژه «وضع» به معنی «فرونهادن» است. مفهوم آن از نظر اخلاقی این است که انسان باید خود را در برابر خدا و خلق خدا، پایین‌تر از جایگاهش قرار دهد و فروتنی کند. تکبر و خودبینی، مانع از آن می‌شود که انسان خویشستن را آن‌چنان که هست، ارزیابی کند. به بیان دیگر، بیماری خودبزرگ‌بینی، مانع از شناخت خود است؛ خودبین از شناخت خدا نیز محروم می‌شود. بندگان شایسته خدا، صفات پسندیده زیادی دارند؛ ولی وقتی خداوند به بیان آنها می‌پردازد، اولین صفتی که مطرح می‌کند، تواضع است. «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (بندگان خداوند رحمان، کسانی هستند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند. چنانچه نادانان، ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می‌دهند) (فرقان / ۶۳). همان‌گونه که زمین هموار، آبیاری می‌شود و بهره‌کافی از آب می‌برد، انسان فروتن نیز در معرض استفاده از ارزش‌ها، کمالات و بهره‌مند شدن از رحمت الهی است. خداوند سبحان به پیامبرش دستور می‌دهد: «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (مؤمنانی را که از تو پیروی می‌کنند، زیر بال محبت خود بگیر و نسبت به آنها متواضع باش) (شعراء / ۲۱۵). و خطاب به عموم انسان‌ها می‌فرماید: «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَأَنْتَ خَوْقُ الْأَرْضِ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا» (ای انسان! هرگز در زمین با کبر و غرور راه مرو که هر قدر پا را محکم به زمین بکوبی، آن را نمی‌توانی بشکافی و هر چه گردن برافرازی به بلندی کوه‌ها نخواهی رسید) (اسراء / ۳۷).

مبلغ باید خوش‌خلق و متواضع باشد و تواضع و فروتنی با مردم را چراغ راه خود قرار دهد. مربی نیز باید در برابر مردم، در نهایت فروتنی باشد و اظهار انانیت و منیت نکند. خداوند به پیامبر ﷺ فرمان می‌دهد که: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ - مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ...» (کهف / ۱۱۰).

فصلنامه
علمی-تخصصی
پژوهش‌نامه



سال دوم
شماره سوم و چهارم
بهار و تابستان ۱۳۹۳



در قرآن کریم در مورد صفات مومنان، در سفارش لقمان به پسرش آمده است: «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (پسرم!) با بی اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد (لقمان / ۱۸).

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «من تواضع للمتعمین و ذل للعلماء ساد بعلمه؛ فالعلم يرفع الوضیع و تركه يضع الرفیع و رأس العلم التواضع» (هر که در مقابل متعلمین تواضع نمود و در مقابل علما خود را پایین آورد، به سبب علمش آقایی و سیادت می‌نماید؛ زیرا علم، هر که را پایین است بالا می‌برد و ترک آن هر که را بالاست به زیر می‌کشد و رأس و سر علم، تواضع است) (مجلسی، ۱۳۵۵، ۷۵، ۶). شکی نیست که یکی از مهم‌ترین و برترین صفات انسان مؤمن، تواضع و فروتنی است.

۲-۳- ایمان به اهداف

آنچه به آگاهی جهت می‌دهد و مانند پشتوانه‌ای محکم، در تمام مراحل تبلیغ، مددکار مبلغ است، باور قلبی‌اش به هدف است؛ البته ایمان و باوری که از روی شناخت و علم حاصل شده باشد؛ لذا این ایمان، علاوه بر جنبه شناختی، جنبه عاطفی و قلبی نیز دارد. اگر پیام، در ژرفای جان پیام‌رسان ریشه دوانده باشد و با ایمانی راسخ به نشر آن همت گمارد، از یک سو، می‌تواند نهان‌خانه دل پیام‌گیرنده را به تالو دعوت کند و آن را خیره سازد و از سوی دیگر، در مقابل تندبادهای، مانند سدی سترگ، قد برافزاد، فریفته دام‌های تنیده و دانه‌های پاشیده نشود و تهمت، تکفیر، تطمیع، تهدید، استهزا و آزار و شکنجه، او را از پای در نیاورد.

قرآن کریم صبر، پایداری، ایمان و یقین را به‌عنوان دو مشخصه اساسی پیشوایان هدایت و پیامبران الهی ذکر کرده است: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا



يُوقِنُونَ) (و از آنان پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند؛ چون شکیبایی نمودند، و به آیات ما یقین داشتند) (سجده/ ۲۴).

تمام مظاهر استقامت و استواری در سیره انبیا و پیشوایان حق، به سبب ایمان به هدف است. مبلّغ باید چنان به هدف خود ایمان داشته باشد که همچون پیامبر ﷺ اگر خورشید را در یک دستش و ماه را در دست دیگرش قرار دهند، دست از هدف خود برندارد و همچون خضر عليه السلام در گرسنگی و تشنگی نیز رسالت خویش را انجام دهد؛ «فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلُهَا فَأَبَوْا أَنْ يُصَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا» (موسی و خضر عليه السلام وارد قریه ای شدند در حالی که گرسنه بودند از مردم درخواست غذا کردند؛ ولی آنها از مهمان‌کردنشان خودداری نمودند (با این حال) چون در آنجا دیواری یافتند که در حال خراب شدن بود خضر دیوار را تعمیر و برپا کرد و بی‌وفایی مردم در ارادهٔ آنان اثر نگذاشت) (کهف/ ۷۷).

مباهله رسول خدا ﷺ با علمای مسیحیت، نشانه ایمان بالای او به هدف است که به دشمنان خدا فرمود: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (بیابید، ما فرزندان خود را دعوت می‌کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت می‌نماییم، شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت می‌کنیم، شما هم از نفوس خود، آنگاه مباحله می‌کنیم و در حق یکدیگر نفرین می‌کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار می‌دهیم) (آل‌عمران/ ۶۱).

آنچه در قرآن و سیره پیامبران و اهل بیت عليهم السلام مشهود و معلوم است، ایمانی مدنظر است که از سر آگاهی و علم و یقین حاصل شود، همچون ایمان حضرت ابراهیم که مرحله بعد علم و آگاهی بود.

فصلنامه علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

پژوهش‌نامه

سال دوم
شماره سوم و چهارم
بهار و تابستان ۱۳۹۳



۲.۴. امیدواری به وعده‌های الهی

امید، گرایش قلب انسان به کسی یا چیزی است؛ تا آن کس یا شیء موردنظر، انسان را در برآورده شدن نیاز و حاجت، رفع مشکل و معضل و بیماری، رسیدن به آرزو و پیروزی بر مشکلات یاری کند. رمز زندگی همراه با سعادت این است که انسان هیچ‌گاه نباید امید خودش را منحصر به اسباب و وسایل کند. حضرت علی علیه السلام در «نهج البلاغه» می‌فرماید: «چون سختی‌ها به نهایت رسد، گشایش پدید آید و آن‌گاه که حلقه‌های بلا تنگ آید، آسایش فرا رسد» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶، ترجمه دشتی، ۵۰۹، حکمت، ۳۵۱).

آیات زیادی از قرآن، نشان از امید دادن به مسلمانان است؛ در جایی به آنان امید می‌دهد که دین خدا، عالم‌گیر خواهد شد؛ «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (او خدایی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین‌های عالم برتری دهد) (توبه/ ۳۳). در جای دیگر، به انسان‌های باتقوا امید می‌دهد که عاقبت و رستگاری با آنهاست: «... إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (...زمین از آن خداست و آن را برای هر کس از بندگانش بخواهد به ارث می‌گذارد و عاقبت از آن انسان‌های با تقواست) (اعراف/ ۱۲۸)؛ و در آیه دیگری، غلبه رسولانش را نوید می‌دهد: «كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رَسُولِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (خداوند (درلوح محفوظ) نوشته است که من و رسولانم، حتماً غلبه خواهیم کرد) (مجادله/ ۲۱).

امیدواری چنان مهم است که در قرآن هم سطح ایمان از آن یاد شده و نداشتن امید به روز قیامت را نشان از غفلت و جایگاه چنین افرادی را آتش می‌داند: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يُرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ * أُولَٰئِكَ مَا لَهُمْ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (کسانی که امید و ایمان به لقای ما (و روز رستاخیز) ندارند و



(تنها) به زندگی دنیا راضی شدند و بر آن تکیه کردند، و کسانی که از آیات ما غافلند، آنها جایگاهشان آتش است، به سزای آنچه که انجام می‌دادند) (یونس / ۸۷).

امیدواری از خداوند است و یأس و ناامیدی از شیطان؛ «وَلَا تَيْسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (از رحمت خدا ناامید نشوید که تنها قوم کافران از رحمت خدا ناامید می‌شوند) (یوسف / ۸۷)؛ بنابراین اگر کافران و بداندیشان از حق روی گردان شدند، مبلّغ دچار یأس و ناامیدی نمی‌شود و به تبلیغ خود ادامه می‌دهد؛ «وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاءُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (نگران مباش؛ زیرا) وظیفه تو، تنها ابلاغ (رسالت) است؛ و خدا نسبت به (اعمال و عقاید) بندگان، بیناست) (آل عمران / ۲۰).

مبلّغ امیدوار با قدرت راه را ادامه می‌دهد، کار را به‌طور جدی دنبال می‌کند و از سستی در کار تبلیغ پرهیز می‌کند؛ «إِذْ هَبَّتْ أَنْتَ وَ أٰخُوٰكُ بِآيَاتِي وَ لَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي» (ای موسی تو و برادرت با آیات من (در پی رسالت خود) بروید و در یاد من سستی روا مدارید) (طه / ۴۲)؛ و در جای دیگری قرآن چنین یادآوری می‌کند: «يَا يُحْيِي خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَ آتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا» (یا یحیی! کتاب را با قدرت بگیر) (مریم / ۱۲).

انبیا الهی به‌عنوان مبلغان الهی در همه حال، امید به خدا داشته و هیچ‌گاه آن را از دست نمی‌دادند، همان‌گونه که حضرت یعقوب در هجران یوسف به فرزندان خود را بیان داشته و می‌فرماید: «قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» (یعقوب) گفت: «هوای نفس شما، این امر را چنین در نظرتان جلوه داده است؛ من صبری جمیل (و خالی از بی‌تابی) خواهم داشت؛ امیدوارم خداوند همه آنها را به من بازگرداند؛ چراکه او دانا و حکیم است) (یوسف / ۸۳).

فصلنامه علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تبلیغی

سال دوم
شماره سوم و چهارم
بهار و تابستان ۱۳۹۳



حضرت ابراهیم در پاسخ به مشرکان پس از بیزاری از شرک و استعانت از پروردگار، امیدواری خود را بیان داشته: «وَأَعْتَبْكُمْ وَ مَا تُدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ ادْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا» (و از شما و آنچه غیر خدا می‌خوانید، کناره‌گیری می‌کنم؛ و پروردگارم را می‌خوانم؛ امیدوارم در خواندن پروردگارم محروم و بی‌پاسخ نمانم!) (مریم / ۴۸).

۲.۵. خلوص نیت

«اخلاص»، شریف‌ترین مرتبه رفتار و زمینه‌ساز کسب عالی‌ترین مراتب اخلاقی است. از آنجا که اخلاص، جمیع همه فضایل و در عین حال، درمان رذایل اخلاقی نیز هست، یکی از مهم‌ترین موارد اصلاح فرد و جامعه و زیربنای تشکیل مدینه فاضله است. کلمه «اخلاص» در قرآن هفت مرتبه تکرار شده و از ریشه آن «۳۱» کلمه به کار رفته و مشتقات آن «۱۲» کلمه است.

آن عامل جامع و اساسی - که می‌تواند اخلاص نیت را در رفتار انسان به ثمر رساند - تصفیه و پالایش درون و باطن از هرگونه آلایشی است. به این معنی که انسان باید سر و باطن خویش را از توجه به غیر خدا - از طریق عبادت و بندگی او - پاکسازی کند. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ؛ أَلَّا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ» (پس خدا را پرستش کن در حالی که دین خود را برای او خالص کرده‌ای؛ آگاه باشید که دین خالص از آن خداست) (زمر / ۲ و ۳)؛ یا اینکه می‌فرماید: «وَ مَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَ يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَ ذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ» (به آنها دستوری داده نشده بود، جز اینکه خدا را بپرستند و دین خود را برای او خالص کنند و به توحید بازگردند، و نماز را برپا دارند و زکات را پردازند؛ و این است دین پایدار) (بینه / ۵).





با توجه به جایگاه رفیع توحید، اصلی‌ترین شاهراه و رسیدن به آن، کسب اخلاص است. «فاعبدالله مخلصا له الدين الا لله الدين الخالص» (پس خدای را با خلوص نیت در آیین داری، بندگی کن؛ هان ای انسان! دین و آیین خالص و پاکیزه از آن خدای متعال است) (زمر / ۳ و ۲) و یا اینکه می‌فرماید: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيُعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ» (و به آنها دستوری داده نشده بود، جز اینکه خدا را پرستند در حالی که دین خود را برای او خالص کنند و از شرک به توحید بازگردند، نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند؛ این است آیین مستقیم و پایدار!) (بینه / ۵).

خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (هر کس به ملاقات پروردگار خویش امیدوار است، باید عملش را صالح گرداند و در عبادت پروردگارش، احدی را شریک نسازد) (کهف / ۱۱۰).

اخلاص در عمل، رمز موفقیت مبلّغ است؛ زیرا هدف واقعی، خداوند است و اگر تبلیغ به خاطر خدا انجام شود، بر دلها اثر خواهد گذاشت. اخلاص در تبلیغ، شیوه تمامی رسولان الهی، همچون حضرت نوح، هود، صالح، لوط، شعیب علیهم‌السلام و خاتم رسولان، حضرت محمد «صلی الله علیه وآله»، بوده است که به مردم می‌گفتند: «وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ» (من برای رسالت خویش از شما پاداشی نمی‌خواهم و پاداش من، تنها نزد خداوند عالمیان است) (شعراء / ۱۰۹).

اگر اعمال و رفتار انسان، صاف و خالص باشد، جاودانه می‌شود و سرّ جاودانگی حرکت انبیا و اولیاء هم ناشی از اخلاص آنهاست. قرآن کریم یکی از صفات پیامبران را اخلاص معرفی می‌کند و درباره حضرت موسی علیه‌السلام می‌فرماید: «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا» (موسی را در کتاب یاد کن که او بنده خالص شده بود و پیامبر فرستاده بود) (مریم / ۵۱).

۳. ویژگی‌های رفتاری مبلغ از منظر قرآن کریم

۳.۱. عامل به علم خود بودن

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا چیزی را می‌گویید که عمل نمی‌کنید. نزد خدا بسیار خشم‌آور است که سخنی بگویید که عمل نمی‌کنید) (صف، ۲ و ۳).

یکی از علل پیشرفت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تبلیغ رسالت الهی آن بود که هر چه را می‌گفت و به مردم دستور می‌داد، خود به آن عمل می‌کرد و همین امر، تأثیر کلام آن حضرت را پیوسته در قلوب مردم می‌افزود. ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز این‌گونه بودند، آنچه را که می‌دانستند خود به کار می‌بستند و به مردم نیز یاد می‌دادند و توصیه به عمل می‌نمودند. مبلغ باید پیام خدا را برساند، خود به آن عمل کند و در عمل به آن پشتکار داشته باشد؛ همچون رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که همیشه در حال جوش و خروش بود و لحظه‌ای آرام نمی‌گرفت؛ «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَى رَبِّكَ فَانعَبْ» (ای رسول ما! هنگامی که از کاری فارغ شدی، خود را به زحمت بینداز و همیشه به سوی خدای خود مشتاق باش) (انشراح / ۷ و ۸). پشتکار مبلغ، منحصر در تبلیغ دین نمی‌شود؛ بلکه باید در راه افزودن بر علم و آگاهی خویش نیز بکوشد، چراکه در هر زمانی نیاز به معلومات جدید دارد و تکیه بر مطالعات قبلی کافی نخواهد بود. حضرت باری تعالی (نمودار دیگری را درباره دانشمندان عاری از عمل ترسیم می‌کند و) در وصف آنها می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا الثَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا» (داستان کسانی که بار علم و آگاهی به مضامین کتاب آسمانی تورات را به دوش می‌کشند، ولی عملاً زیر بار آن نمی‌روند) (و کردار آنها با محتوای تورات توافق ندارد)، همانند الاغ یا درازگوشی هستند که بار نوشته‌ها را به دوش می‌کشند) (جمعه / ۵)؛ این داستان مثل مردمی است که حامل اطلاعات در مورد تورات هستند و به هدف نهایی



علم خود عمل نمی‌کنند؛ در واقع مانند الاغی هستند که بار کتب و نوشته‌ها را به دوش می‌کشند.

بدیهی است، آن کسی که ما را به فضیلت و شرافت علم، آگاهی داده، مسلماً راجع به مذمت‌ها و نکوهش‌های مربوط به دانشمندان - که از لحاظ عمل به علم، مقصر و سهل‌انگارند - این‌طور بیان کرده است که اوضاع و احوال علمایی که گرفتار نارسایی و کوتاهی در عمل هستند، سخت تر و طاقت‌فرساتر از اوضاع و احوال نادانان و جاهلان است؛ چون همان خدایی که فضیلت علم را اعلام کرد، همه عالمان بی‌عمل را نیز مورد نکوهش قرار داده است و لذا فرمود: «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكُونُوهُ» (و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خدا، از کسانی که کتاب (آسمانی) به آنها داده شده، پیمان گرفت که حتماً آن را برای مردم آشکار سازند و کتمان نکنند!) (آل عمران / ۱۸۷).

اساساً معقول و قابل‌تصور نیست که فرد عاقلی، خطر را بشناسد و ترس و بیمی از آن در دل خود احساس نکند و از آن نپرهیزد و نسبت به آن برحذر نباشد. خداوند متعال (در مقام سرزنش مردمی که به علم و آگاهی خود عمل نمی‌کنند چنین) می‌فرماید: «اتَّامُزُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنَسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ ثَلَوْنَ الْكِتَابِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (آیا مردم را به نیکی دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید؛ با اینکه شما کتاب (آسمانی) را می‌خوانید! آیا نمی‌اندیشید؟! (بقره / ۴۴).

مبلغ و مربی، امام و رهبر دیگران هستند؛ پس باید خود در همه کارها پیشگام باشند و قبل از تعلیم دیگران به تعلیم خود بپردازند؛ آنها باید قبل از اینکه مردم را به انجام کارهای خوب دستور دهند، خود، آنها را انجام داده و قبل از نهی از اعمال زشت و ناروا، خودشان آن اعمال را ترک کرده باشند که این صفت رسولان الهی بوده است؛ «وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنَّ أُرِيدُ إِلَّا

فصلنامه
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه



سال دوم
شماره سوم و چهارم
بهار و تابستان ۱۳۹۳



الإصلاح مَا اسْتَطَعْتُ» (من هرگز نمی‌خواهم چیزی که شما را از آن باز می‌دارم مرتکب شوم، من جز اصلاح تا آنجا که توانایی دارم نمی‌خواهم) (هود/ ۸۸).

۲.۳. شجاعت و استقامت

از منظر قرآن، اراده، صلابت و قاطعیت در اجرای فرمان الهی، صبر بر مشکلات و گرفتاری‌ها لازمه وجودی یک مبلغ دینی است؛ چراکه نداشتن روحیه قوی که ریشه در ایمان و اعتقادات وی دارد، باعث دلسرد شدن او در برابر موانع و مشکلات راه خواهد شد.

به همین جهت قرآن، حضرت ابراهیم را به‌عنوان الگو مطرح کرده و از زبان او می‌فرماید: «و تَاللّٰهِ لَآكِيدَنَّ اَصْنَٰمَكُمْ» (به خدا سوگند! حتماً طرح شکستن بت‌هایتان را خواهم ریخت و آنان را نابود خواهم کرد) (انبیاء/ ۵۷).

مبلغ متعهد، در راه انجام وظیفه تبلیغی خود، ناامید و مأیوس نمی‌شود؛ او خود را در پناه قدرتی لایزال می‌بیند که به هر چیزی قادر و توانا، علیم و سمیع است. به این جهت، با اراده و گام‌های استوار در راه تبلیغ دین حرکت می‌کند؛ در نتیجه سخن، رفتار و تصمیمات او همه با اقتدار و عزت کامل صورت می‌گیرد؛ زیرا او همواره خود را مخاطب این آیه می‌داند: «و لَآ يَخْزِنٰكَ قَوْلُهُمْ اِنَّ الْعِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا» (سخنان آنان [مخالفین] تو را محزون و غمگین نسازد زیرا عزت و عظمت همه از آن خداست) (یونس/ ۶۵).

از صفات مبلغ واقعی این است که با قاطعیت تمام در مقابل کجروی‌ها بایستد و به جز خدا از کسی نترسد؛ و بداند که گمراهی دیگران به وی زیانی نمی‌رساند؛ «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللّٰهِ وَ يُخْشَوْنَهُ وَ لَآ يَخْشَوْنَ اَحَدًا اِلَّا اللّٰهَ وَ كَفٰى بِاللّٰهِ حَسِيبًا» (پیامبران پیشین) کسانی بودند که رسالت‌های الهی را تبلیغ می‌کردند و از او بیم



داشتند و از هیچ‌کس جز خدا بیم نداشتند؛ همین بس که خداوند حسابگر و پاداش دهنده اعمال آن‌ها) است) (احزاب / ۳۹).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید مراقب خود باشید، هنگامی که شما هدایت یافتید گمراهی کسانی که گمراه شده‌اند به شما زیانی نمی‌رساند. بازگشت همه به سوی خداست و شما را از آنچه عمل می‌کردید آگاه می‌سازد) (مائده / ۱۰۵).

وظیفه مبلّغ آن است که بدون ترس جلو بدعت‌ها را بگیرد و این عهدی است که خداوند از او گرفته است. او باید همچون آیات قرآن راه و روش مجرمین و توطئه‌های آنان را افشا کند؛ «وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ لَيْسَ لِي سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ» (و ما آیات را به‌طور مفصل بیان می‌کنیم تا راه گناهکاران معین و آشکار شود) (انعام / ۵۵).

حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام سامری را توبیخ نمود و فرمود: «وَأَنْظُرْ إِلَى إِلٰهِكَ الَّذِي ظَلَمْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا» (این خدایت را که با زر و زیور ساخته‌ای و بر پرستش و خدمتش ایستاده‌ای، نگاه کن که آن را می‌سوزانیم و خاکسترش را به دریا می‌دهیم) (طه / ۹۶). مبلّغ مؤمن در راه تبلیغ دین هیچ‌گونه هراسی از سرزنش سرزنش‌کنندگان ندارد «وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» (مائده / ۵۴).

آنگاه که مخالفت‌ها و ستیزها در برابر پیامبر متوجه اصول اعتقادی و عملی مانند توحید، معاد و عدالت و عدم تبعیض می‌شد، هیچ‌گونه نرمش و سازشی از سوی آن حضرت مشاهده نمی‌شد. اهل مکه به پیغمبر گفتند: ای محمد، آیین قومت را ترک گفتمی، در حالی‌که ما می‌دانیم جز فقر، تو را به این امر و انداشته، پس بیا تا ما از دارایی‌های خود برای تو گردآوریم و تو را از ثروتمندترین مردم گردانیم. پس این آیه نازل شد: «قُلْ أَعْيَبَ اللَّهُ الْبَطِرَ الْمَلُوتِ وَالْأَرْضِ وَ...»

فصلنامه
علمی-تخصصی
پژوهش‌نامه

پژوهش‌نامه

سال دوم
شماره سوم و چهارم
بهار و تابستان ۱۳۹۳



(بگو: آیا غیر از خدا - پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین - سرپرستی برگزینم و اوست که خوراک می‌دهد و خوراک داده نمی‌شود. بگو: من مأمورم نخستین کسی باشم که اسلام آورده است) (انعام / ۱۴).

مبلغی که پیرو رسول خدا ﷺ است، همچون رهبرش مأمور به استقامت است: «فَادْعُ وَ اسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» تبلیغ در راه دین، گاهی زندان، شکنجه و تبعید نیز بدنبال دارد (شوری، ۱۵) «وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ» (ولی پاسخ قومش چیزی جز این نبود که گفتند: «اینها را از شهر و دیار خود بیرون کنید) (اعراف / ۸۲).

همان‌گونه که قوم لوط، تصمیم به بیرون کردن پیامبر خود داشتند: «لَا تُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا» (و قوم شعیب به او گفتند که ما تو و پیروانت را از شهر بیرون می‌کنیم) (اعراف / ۸۸).

۳.۳. عدل‌ورزی

عدل یعنی اعطای هر حقی به صاحب حق و یا وضع هر چیز در جای خودش؛ امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه (حکمت ۴۳۷) می‌فرماید: «العدل يضع الامور مواضعها. و اذا قلم فاعدلوا» (و هرگاه سخنی گویند به عدالت گرایید) (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶، ترجمه دشتی، ۵۲۷).

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (به راستی خدا به عدالت و (بلکه) به احسان و تفضل بر دیگران و عطا به خویشان امر و از کار بسیار زشت و منکر و تجاوز به مردم نهی می‌کند. خدا شما را پند می‌دهد شاید متذکر شوید) (نحل / ۹۰).



«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا» (به راستی خداوند به شما امر می‌کند که امانات را به اهلس ادا کنید و نیز امر می‌کند که چون بین مردم حکومت می‌کنید به عدالت حکم نمایید. مسلماً خداوند شما را به خوب چیزی پند می‌دهد، خداوند شنوای بیناست) (نساء / ۵۸).

مبلغ در سخن‌گفتن، رفتار کردن موضع‌گیری‌ها و برخورد‌هایش با دیگران باید عدالت را رعایت کند و ضوابط را فدای روابط و دوستی‌ها نکند و هیچ‌گونه امتیازی برای غیرمستحق گرچه از خویشان و نزدیکان باشد قائل نشود. چنانکه قرآن می‌فرماید: «وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا» (هرگاه سخن گفتید عدالت را رعایت کنید) (انعام / ۱۵۲). نه فقط به خاطر دوستی‌ها بلکه در مورد دشمنان نیز نباید حق فراموش شود؛ «لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ اَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰی» (دشمنی با قومی سبب نشود که با عدالت رفتار نکنید. عدالت داشته باشید که به تقوا نزدیکتر است) (مائده / ۸).

کسی که مبلغ عدل و عدالت است چطور ممکن است که خود عامل به آن عدل نباشد، لذا مبلغ باید به دور از هرگونه حب و بغض تبلیغ کند و منافع شخصی را در این عمل مقدس دخالت ندهد؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوٰى أَنْ تَعْدِلُوا وَ إِنْ تَلَّوْا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» ای اهل ایمان به عدالت قیام کنید و برای خدا (و به حکم او) گواهی دهید، هر چند بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد، برای هر کس شهادت می‌دهید چه فقیر باشد چه غنی، نباید در حکم و شهادت از حق عدول نمایید که خداوند به رعایت حقوق آنان اولی است) (نساء / ۱۳۵).

فصلنامه
علمی-تخصصی
پژوهش‌نامه



سال دوم
شماره سوم و چهارم
بهار و تابستان ۱۳۹۳



۳. ۴. سعه صدر

مهم‌ترین عامل موفقیت و پیشبرد یک دعوت، سعه صدر مبلغ در این راه است. این است که خداوند پیامبر را در مسیر دعوت به اسلام به صبر و شکیبایی و پرهیز از عجله و شتاب دعوت می‌کند و وجه اشتراک او و سایر انبیای اولوالعزم را نیز همین استواری می‌داند و اولوالعزم را نیز کسانی معرفی می‌کند که در راه ابلاغ پیام خداوند، از خود عزمی استوار نشان داده اند؛ «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرُ أُولُو الْعِزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ...» (پس پایداری کن. همچنان که پیامبران اولوالعزم پایداری کرده بودند و در عقوبتشان شتاب مکن) (احقاف / ۳۵). در آیه ای دیگر نیز وقتی پیامبر را امر به دعوت به دین خدا می‌کند، بلافاصله او را به استقامت و ثبات می‌خواند. «فَلِذَلِكَ فَادُعْ وَ اسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ» (برای این دعوت کن و آنگونه که امر شده‌ای استقامت نما) (شوری / ۱۵).

حضرت موسی «علیه السلام» به‌عنوان یک مبلغ، هنگام رفتن به سوی فرعون، برای هدایت او و آگاه نمودن مردم، از پروردگارش فراخی سینه و قدرت تحمل سختی‌ها را درخواست نمود؛ زیرا وجود این صفت برای مبلغ ضروری است؛ «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي» (خدایا! سینه‌ام را وسعت ده و کارم را آسان ساز) (طه / ۲۵).

(مبلغ با ایمان از زخم زبان‌ها و طعنه‌های منکران غمگین نمی‌شود و صبر پیشه می‌کند و می‌داند که عزت از آن خداست و او شنوا و داناست) «وَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (یونس / ۶۵).

او آرام و منطقی، همچون اولیای الهی، تهمت‌های دشمنان و جاهلان را پاسخ می‌دهد. به نوح «علیه السلام» گفتند: «إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (ای نوح ما تو را در گمراهی آشکار می‌بینیم). نوح «علیه السلام» در جواب گفت: «يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَ لَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (ای قوم! من در گمراهی نیستم، بلکه فرستاده‌ای از سوی



پروردگار جهانیان هستم) (اعراف / ۶۰ و ۶۱). آری، کسی که قدم در مسیر رسولان الهی گذارده باید همانند آنان صبور باشد و با تهمت‌ها، شایعات و دروغ پردازی‌های دشمنان، سنگر تبلیغی خود را رها نکند (احقاف / ۳۵).

نمونه زیبای چنین روحیه‌ای، در سیره انبیا علیهم‌السلام مشاهده می‌شود: «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ * قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَ لَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (گروهی از سران قوم هود که کافر شدند، گفتند: به راستی که ما تو را سفیه و سبک‌مغز می‌بینیم و فکر می‌کنیم که از دروغ‌گویان هستی! هود علیه‌السلام گفت: ای قوم من! مرا سفاهتی نیست، بلکه من فرستاده پروردگار جهانیان‌ام) (اعراف / ۶۶ و ۶۷). چنان‌که می‌بینیم حضرت هود علیه‌السلام در یک برخورد انفعالی به آنها نگفت: «سفیه، شما هستید که بت می‌پرستید و معبودانی جز ایزد را به ربوبیت گرفته‌اید!» بلکه با کمال متانت، نزاکت و حوصله پاسخ داد.

از ویژگی‌های ضروری برای موفقیت در تربیت نیز داشتن گشادگی اخلاقی (یا به تعبیری سعه صدر) و داشتن ظرفیت بالای تحمل از جانب مربی است. مبلّغ به انتقادها گوش می‌دهد، که گوش ندادن به حقایق، صفت کافران کوردل است؛ «وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا» (آنان گوش‌هایی دارند که با آن نمی‌شنوند) (اعراف / ۱۷۹). «وَإِذَا دُعُوا لِلدُّكُورِ» و هنگامی که به آنها تذکر داده شود پند نمی‌گیرند» (صافات / ۱۳).

۳.۵. صدق و راستی

در قرآن کریم، صداقت و مشتقات آن، جایگاهی بس والا دارند. علاوه بر معنای معروف صدق، قرآن، مهر زن را «صداق» نامیده؛ (نسا / ۴) از آن جهت که پرداخت آن به مانند هدیه‌ای، نشانه صدق ادعاهای مرد در عشق و علاقه به همسرش است. دوست صمیمی را «صدیق» نامید (نور / ۶۱)؛ چراکه رفتار وی، ادعای دوستی را تصدیق می‌کند و کمک مخلصانه در راه خدا را «صدقه» نامیده؛

فصلنامه
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تبلیغی

سال دوم
شماره سوم و چهارم
بهار و تابستان ۱۳۹۳



(بقره / ۲۶۳ و ۲۶۴) زیرا نشان راستی ادعای آدمی، ایمان به خدا و بندگی اوست. این واژه و مشتقات آن، در مواردی متعددی به معنای صدق ادعای ایمان در مقام عمل آمده است؛ بدین جهت، گاه صادقین، نقطه مقابل کافرین قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر، قرآن کریم صداقت مردان و زنان با ایمان را از ویژگی‌های برجسته آنان می‌داند که موجب آموزش و پاداش بزرگ الهی است. در نقطه اوج ارزش‌گذاری صداقت، قرآن کریم هنگام بیان عملی که در جهان آخرت سودمند است، تنها از صداقت یاد می‌فرماید: «قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمَ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (خدا فرمود: این روزی است که راستگویان را راستی‌شان سود بخشد. برای آنان باغ‌هایی است که از زیر درختان آن، نهرها روان است و همیشه در آن جاودانند؛ خدا از آنان خشنود است و آنان نیز از او خشنودند؛ این است رستگاری بزرگ) (مائده / ۱۱۹).

همچنین، قرآن از الگوهای بشریت در این عرصه، با واژه «صدیق» یاد می‌فرماید که مبالغه در صدق است. «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيمَ اِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا» (در این کتاب، ابراهیم را یاد کن، چراکه او پیامبری بسیار راستگو بود) (مریم / ۴۱). در نقطه مقابل، قرآن به سختی، دروغ و دروغ‌گویان را نکوهش نموده است. نکته قابل توجه در آیات، آن است که تقابل معناداری میان «دروغ» و «ایمان» برقرار شده و بی‌ایمانی، منشأ سخنان افتراآمیز و دروغ بیان شده است: «إِنَّمَا يَقْتُرِي الكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ» (تنها کسانی دروغ‌پردازی می‌کنند که به آیات خدا ایمان ندارند و آنان خود از دروغ‌گویانند) (نحل / ۱۰۵). دروغ، مانعی اساسی بر سر راه هدایت به‌شمار رفته و شخص را از بهره‌مندی از هدایت‌های ویژه و افاضی خداوند، محروم می‌سازد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ» (در حقیقت، خدا آن کسی را که دروغ‌پرداز و ناسپاس است هدایت نمی‌کند) (زمر / ۳). زشتی و پیامدهای نامطلوب دروغ‌گویی به حدی است که



دروغگویان را شایسته لعنت خداوند می‌سازد و چنان باطن و ملکه روحی فرد را دگرگون می‌سازد که حتی در عرصه قیامت و با آشکار شدن حقایق، به انکار عملکرد خود و تکذیب آن می‌پردازد و به دروغ‌پردازی خود ادامه می‌دهد!

صداقت از صفات دیگر مبلّغ است و مبلغ صادق، جایگاه خاصی در بین مردم دارد؛ زیرا همه انسان‌ها، صداقت و راستی را دوست دارند. دلیل این همه تأکید بر راستی، به آثار مثبت صداقت در نظام اجتماعی و اعتمادسازی بین افراد برمی‌گردد که خود، عامل نیل به بسیاری از کمالات فردی و اجتماعی در عرصه‌های گوناگون و ایجاد فضای سالم و ایجاد روابط محکم و صمیمی میان افراد به شمار می‌رود. چنان‌که گسترش دروغ‌گویی، ضمن سلب اعتماد افراد نسبت به یکدیگر، زمینه‌ساز مفاسد بسیار و نیز پیامدهای منفی فراوان است. پرده‌پوشی‌ها و نگفتن حقایق، عاملی مؤثر در جدایی مبلغ و مردم است. طبیعی است که هر انسانی بر همه علوم مسلط نیست، بسیاری از مطالب را نمی‌داند و نقص‌ها و ضعف‌هایی در او وجود دارد. سعی در پوشاندن این کمبودها به دلیل جلوگیری از لطمه‌دار شدن شخصیت اجتماعی، نشانی از بی‌صداقتی است. خداوند متعال از رسولش می‌خواهد که به مردم بگوید: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ» (من نیز بشری مثل شما هستم) (کهف / ۱۱۰) «قُلْ إِنَّمَا عُنْدَ اللَّهِ» (من زمان فرا رسیدن قیامت را نمی‌دانم و علم آن نزد خداست) (اعراف / ۱۸۷). «قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا» (من مالک نفع و ضرر خویش نیستم) (اعراف / ۱۸۸). «قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ» (من به شما نمی‌گویم که گنج‌های خدا نزد من است و نه آنکه از غیب آگاهم و نمی‌گویم که من فرشته‌ام) (انعام / ۵۰). این‌گونه برخوردها گرچه در ظاهر از ارزش انسان می‌کاهد و در نظر دیگران فردی عادی جلوه می‌کند، اما فاصله‌ها را از بین می‌برد و مردم شیفته مبلغ می‌شوند.

فصلنامه علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه



سال دوم
شماره سوم و چهارم
بهار و تابستان ۱۳۹۳



۶.۳. توکل به خدا

در عین حال که عمل مبلّغ در هدایت انسان‌ها بسیار مؤثر است، ولی باید توجه داشت که مؤثر واقعی خداست و مبلّغ، ابزاری بیش نیست؛ «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ» ای رسول ما! تو نمی‌توانی هر کس را بخواهی هدایت کنی، اما خدا هر کس را بخواهد هدایت می‌کند (قصص / ۵۶). «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَ مَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا» (اگر خدا می‌خواست مشرکان را از شرک باز می‌داشت تا همه خداشناس شوند) (انعام / ۱۰۷).

خداوند متعال به رسول گرامی‌اش صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ» (تو نگاهبان و وکیل مردم نیستی) (انعام / ۱۰۷). «لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ» (تو مسلط و توانا بر تبدیل کفر آنان نیستی) (غاشیه / ۲۲)؛ «وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ» تو جبار و اجبار کننده مردم نیستی. (ق، ۴۵) «لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ» (و هیچ چیز به دست تو نیست) (آل عمران / ۱۲۸).

آری، عالم و متعلم نباید بر هیچ کس و بر هیچ چیزی از آفریده‌های خدا متکی باشند؛ بلکه باید زمام امور خود را در زندگانی و رزق و روزی و امثال آنها- به خداوند متعال واگذار نمایند تا از این رهگذر، نفعات قدس الهی و الطاف پاکیزه پروردگار و لحظات انس و الفت با خداوند، بر آنها تجلی کند و از رهگذر آن، مشکلات آنان حل و گشوده شده و کثری آنها به راستی آید و منظورشان تأمین شود و امور زندگانی آنها به صلاح باز آید. مبلّغ، نه از ایمان مردم، باید دچار عجب شود و نه از کفر آنان دچار یأس و ناامیدی؛ بلکه باید در لحظه لحظه حرکت، به خدای بزرگ توکل کند؛ «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (پس هنگامی که تصمیم گرفتی، به خدای بزرگ توکل کن) (آل عمران / ۱۵۹).



اگر انسان به این مهم پی ببرد که تمام برنامه ریزی‌ها و تدارکات عمل، بدون اذن و خواست خداوند هیچ نمی‌ارزد و توکل و اعتماد به خداوند، لازمه همه برنامه ریزی‌هاست و همه کاینات در خواست و اراده الهی است، مسلماً و قطعاً راه را به سلامت طی می‌کند و در پیروزی، هیچ کبر و غروری و در شکست نیز هیچ یأس و ناامیدی در فرد ایجاد نمی‌شود و تمام مسیر را با یک اطمینان و آرامش خاطری سپری می‌کند.

فصلنامه
علمی-تخصصی
پژوهش‌نامه



سال دوم
شماره سوم و چهارم
بهار و تابستان ۱۳۹۳



جمع‌بندی

پیمودن راهی که قرآن کریم برای مبلغان الهی بیان کرده است، کسی را می‌خواهد که اهل تظاهر و نیرنگ مردم، فریفته دنیا و اهل سخن بدون عمل، عاشق ریاست و بیزار از بندگی خدا نباشد. او باید ثابت‌قدم و صادق باشد، در برابر کفر قاطعانه بایستد، ساده‌زیستی و حامی محرومان بودن را سرلوحه زندگی‌اش قرار دهد و بصیر به راه و مؤمن به هدف باشد. مبلغ را باید فردی دید که تمام این صفات را در حداقل خود داشته باشد و این میزان دارایی، سرعت و کیفیت تبلیغ را مشخص می‌کند. کلمه نگرش نیز خود، تأکیدی به همین پیوستگی و جامعیت صفات در تمام ابعاد آن دارد. او شخصیتی منطقی و آگاه به مسائل، عامل به دانش‌ها و آگاهی‌ها و در عین حال دارای احساسات و عاطفه‌ای از جنس الهی است. این صفات و ویژگی‌ها نمی‌تواند مختص زمان تبلیغ باشد؛ بلکه مبلغ باید در زندگی خصوصی و حتی در ارتباط با خدا، بدون در نظر گرفتن شخص دیگری نیز موصوف به این صفات باشد.

نکته اول، توجه به لزوم وجود صفات در هر سه بعد نگرشی است. برای اینکه نگرش یک فرد در زمینه‌ای خاص به یک نگرش جامع و کاملی رسیده باشد، باید او در هر سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری، به یک سطح خاصی برسد. ابتدا باید در زمینه شناخت و آگاهی به یک سطح نسبتاً مقبولی دست پیدا کند. سپس از لحاظ عاطفی نیز بتواند با آن ارتباط برقرار کرده و درنهایت، به صرف سخن و احساس نینجامد، بلکه در عمل نیز به کار آید و مورد استفاده واقع شود. صفات مبلغ نیز در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری، دقیقاً همین روند را در شخصیت و نگرش فرد دنبال می‌کند. شناخت و آگاهی از مسئله ابتدایی، جهت حرکت است؛ هرچند کم، اما لازم و ضروری است؛ لذا در ابتدای کار، بدون توجه به صفات در بعد شناختی، شکست حتمی خواهد بود. شناخت و آگاهی بدون عمل نیز، هیچ نتیجه‌ای به همراه

ندارد و این درست همانند شناختن دارو توسط بیمار است که صرف شناخت دارو، تأثیری در احوالات بیمار مشاهده نمی‌شود؛ لذا تأکید اصلی و اساسی تبلیغ به برخورداربودن مبلغ به صفاتی است که در عمل بیاید و برای همه مخاطبان مشهود باشد. هرچند می‌توان گفت که صفات زیاد در حوزه رفتار، نشان دهنده اهمیت بالای این حوزه در تبلیغ است؛ اما نمی‌توان گفت حوزه عاطفی اهمیتی نداشته و یا اهمیش در سطح پایینی قرار دارد، چراکه این حوزه هرچند از نظر تعداد، کم است، اما از نظر میزان استفاده مبلغ در تبلیغش از این صفات، بسیار زیاد است. این را می‌توان در سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت معصومین علیهم‌السلام به وضوح مشاهده کرد؛ راه ورود به قلب‌ها و دل‌ها همین حوزه عاطفی است.

فصلنامه
علمی-تخصصی
پژوهش‌نامه
تبلیغ
سال دوم
شماره سوم و چهارم
بهار و تابستان ۱۳۹۳



متخصصان امر تربیت به اصولی اساسی برای تربیت دینی اشاره می‌کنند که با نگاهی به قرآن کریم این اصول را در مباحثی، همچون تبلیغ می‌توان یافت. از جمله این اصول مشترک، می‌توان به استمرار و مداومت، توجه به تفاوت‌های فردی، اعتدال و میانه‌روی، تدریج، اصل اصلاح و ایجاد زمینه، جامع‌نگری، اصل تفکر و تعقل، تزکیه، حریت، عزت، اصل هشداردهی و غفلت‌زدایی، اصل تغییر ظاهر و تحول باطن، مسئولیت، محبت و استفاده از عواطف، اصل تسهیل و مسامحت و... اشاره کرد. در مباحث تربیتی، این اصول از جایگاه خاص برخوردارند؛ به‌عنوان مثال، تفاوت‌های فردی از اصول پذیرفته‌شده در روان‌شناسی و تعلیم و تربیت است. در آموزش کودکان نمی‌توان به طور یکسان عمل کرد، بلکه باید متناسب با ویژگی‌های شناختی، عاطفی، انگیزشی و سوابق خانوادگی روش‌های گوناگون و مؤثری را به کاربرد؛ برخی با شعر و بعضی با داستان، برخی با پرسش و پاسخ برخی زودتر و بعضی دیرتر بهتر درک می‌کنند. پس باید تفاوت‌های فردی را در نظر داشت. به همین دلیل، یکی از عمده‌ترین مسائل روان‌شناسی، مسئله تفاوت‌های فردی و عوامل آنها است و یا اصل استمرار و تدریج که در تربیت، بسیار مهم یاد شده و بیان

می‌دارند که آموزش، امری مستمر و مداوم است. اهمیت آموزش به کودک از سویی و طولانی بودن دوره ساختار ذهنی و روانی کودکی از سوی دیگر، استمرار و مداومت در آموزش را می‌طلبد و باید به موازات رشد عقلی و تحول روانی کودک، مفاهیم را به وی انتقال داد و از شتاب و فشار پرهیز نمود.

ذکر این اصول، شاید به‌عنوان مهم‌ترین و شاخص‌ترین اصول اخذ شده از بحث تبلیغ و مبلغ در قرآن کریم باشد و مسلماً همه اصول نیست؛ چراکه توجه به بسیاری از صفات مبلغ، خود می‌تواند اصول مهمی را بیان کند؛ اما روشن است که تمام اصولی که آورده شده و یا قابل استنباط و استخراج است در اینجا بیان نشده، یک امر مهم و واقعی را در بردارد و آن هم، این است که در سراسر بحث تبلیغ و مبلغ مدنظر قرآن کریم، می‌توان مباحث و مسائل مربوط به تربیت را به طور کامل دید و به آن اشاره کرد. با نگاهی به سیره معصومین علیهم‌السلام و انبیا الهی، آیا می‌توان کار و حرکت تبلیغی این بزرگوران را از کار و حرکت تربیتی آنها جدا کرد؟ آیا می‌توان گفت این حرکت، کاری تبلیغی بوده و هیچ بحث تربیتی در میان نبوده است؟ و بالعکس؛ آیا می‌توان بیان کرد که این حرکت، کاری کاملاً تربیتی بوده و هیچ تبلیغی در میان نبوده است؟ آیا رفتار، کردار و منش این بزرگواران، تبلیغ بوده یا تربیت؟ و آیا هدفی غیر از تربیت در تبلیغ داشته‌اند و هدفی غیر از تبلیغ در تربیت داشته‌اند؟ گویا نمی‌توان این دو را از هم جدا کرد. چه فرد تربیت‌یافته‌ای بهتر از اینکه از خواب غفلت بیدار شود و خدا را مبدأ و مقصد خود بداند و چه نتیجه‌ای بهتر از این، برای تبلیغ وجود دارد که به‌خاطر تربیتی که یافته، خود راه درست را انتخاب کند. قرآن با بیان تبلیغ و مباحث مربوط به آن، گویا راه تربیت را به ما نشان می‌دهد؛ او می‌گوید اگر می‌خواهید تبلیغ کنید، این‌گونه تربیت کنید و اگر می‌خواهید تربیت کنید، این‌گونه تبلیغ کنید. اگر می‌خواهید مربی باشید، چنین مبلغی باشید و اگر می‌خواهید مبلغ باشید، چنین مربی باشید.



منابع

- * قرآن کریم؛ ترجمه ناصر مکارم شیرازی؛ مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶.
- * قرآن کریم؛ ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای؛ قم: فاطمه الزهرا، ۱۳۸۰.
۱. انصاری، فاطمه؛ «اهمیت و جایگاه تبلیغ»؛ آفاق مهر، شماره ۴۵، ۱۳۹۰.
 ۲. باقری، خسرو؛ *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران*؛ جلد اول، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.
 ۳. بهشتی، احمد؛ «نقش اخلاق در تبلیغ دین»؛ درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۶۵۲، ۱۳۹۰.
 ۴. بهشتی، سعید؛ *تاملات فلسفی در تعلیم و تربیت*؛ تهران: چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۹.
 ۵. حافظ‌نیا، محمدرضا؛ *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*؛ تهران: سمت، ۱۳۸۶.
 ۶. حجتی، محمدباقر؛ *آداب تعلیم و تعلم در اسلام*؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹.
 ۷. حجتی، محمدباقر؛ *اسلام و تعلیم و تربیت*؛ تهران: فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۸.
 ۸. حسن‌زاده، رمضان؛ *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*؛ تهران: ساوالان، ۱۳۸۲.
 ۹. حسین‌زاده حلاج، علی؛ «بررسی شیوه‌های دعوت انبیای اولوالعزم در قرآن»؛ رساله کارشناسی ارشد چاپ نشده؛ موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۷.
 ۱۰. داوودی، محمد؛ *نقش معلم در تربیت دینی*؛ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
 ۱۱. دهخدا، علی‌اکبر؛ *لغت‌نامه دهخدا*؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
 ۱۲. رهبر، محمد تقی؛ «پیشینه تبلیغ در اسلام»؛ کیهان اندیشه؛ شماره ۳۷، ۱۳۷۰.
 ۱۳. رهنما، اکبر؛ «سیمای ویژگی‌های انسان مطلوب از دیدگاه تربیتی اسلام»؛ تربیت اسلامی، شماره ۱، ۱۳۸۴.
 ۱۴. ری شهری، محمد؛ *تبلیغ در قرآن و حدیث*؛ ترجمه علی نصیری؛ مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت علیهم‌السلام، ۱۳۸۵.
 ۱۵. سهرابیان پاریزی، محمد؛ «نقش تربیتی اسوه‌ها در قرآن کریم»؛ راه تربیت، شماره ۱۳، ۱۳۸۹.
 ۱۶. سیدرضی، ابوالحسن محمد؛ *نهج البلاغه*؛ ترجمه محمد دشتی؛ قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین علیهم‌السلام، ۱۳۸۶.
 ۱۷. شرفی، حسین؛ «اهمیت تبلیغ و جایگاه آن در فرهنگ دینی»؛ اندیشه حوزه، شماره ۶، ۱۳۷۵.
 ۱۸. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر؛ «ویژگی‌های تعلیم و تربیت اسلامی»؛ مریبان، شماره ۳، ۱۳۸۰.

۱۹. صنایع، محمد؛ «شیوه‌های ارتباط و تبلیغ در قرآن در برخورد با عموم مردم و مخالفان»؛ رساله کارشناسی ارشد چاپ نشده؛ دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۱.
۲۰. عباسی مقدم، مصطفی؛ «اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان و مقایسه آن‌ها با شیوه‌های شناخته شده تبلیغ در جهان امروز»؛ رساله دکتری چاپ نشده؛ دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۶.
۲۱. عباسی مقدم، مصطفی؛ «نقش الگوها در تربیت»؛ پیوند، شماره ۱۳۸ و ۱۳۹، ۱۳۷۰.
۲۲. عباسی مقدم، مصطفی؛ «نقش و جایگاه اسوه‌ها در تبلیغ»؛ رساله کارشناسی ارشد چاپ نشده؛ دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۶۹.
۲۳. عزیزاده، علیرضا؛ «ویژگی‌های مبلغ از دیدگاه اسلام»؛ رساله کارشناسی ارشد چاپ نشده؛ دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۰.
۲۴. فرج‌بخش، فریده؛ «روش عقلانی در تربیت دینی از دیدگاه نهج‌البلاغه قرآن و حدیث»؛ کوثر، شماره ۳۲، ۱۳۸۸.
۲۵. قرائتی، محسن؛ قرآن و تبلیغ؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۷۸.
۲۶. قرائتی، محسن؛ تفسیر نور؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۷۳.
۲۷. قرشی‌بنابی، علی اکبر؛ قاموس قرآن؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۲۸. فضل الله، محمدحسین؛ گام‌هایی در راه تبلیغ؛ ترجمه احمد بهشتی؛ قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات، ۱۳۶۷.
۲۹. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۵.
۳۰. کرتی، محمد؛ «مربی و مبلغ موفق»؛ شمیم معرفت، شماره ۲۴، ۱۳۸۹.
۳۱. مطهری، مرتضی؛ ده گفتار؛ تهران: صدرا، ۱۳۸۰.
۳۲. مطهری، مرتضی؛ سیری در نهج‌البلاغه؛ تهران: صدرا، ۱۳۸۱.
۳۳. مطهری، مرتضی؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ تهران: الزهراء، ۱۳۶۲.
۳۴. مقدس‌پور، صدیقه؛ «ویژگی‌های مبلغان و معیارهای تبلیغ در قرآن»؛ پاسدار اسلام، شماره ۳۲۵، ۱۳۸۷.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.
۳۶. مینوی، مجتبی؛ «تبلیغ یا تربیت؟»؛ یغما، شماره ۵۹، ۱۳۳۲.

